

قریه کروکان جاسب

بواسطه زائر عتبه رحمانی جناب آقا میر جاسبی

جناب محمد تقی و انجالشان سیف‌الله و ذبیح‌الله و ضیاء‌الله جناب آقا محمد خلیل و ولدانشان عبدالحسین و علی جناب آقا فرج‌الله جناب مشهدی حسینعلی جناب اسدالله جناب غلامعلی نعمت‌الله و شکرالله جناب محمد اسمعیل و دو طفلشان جناب استاد علی اکبر جناب آقا عبدالرزاق جناب زین‌العابدین جناب آقا صدرالدین جناب سلطانعلی جناب آقا سید مهدی جناب آقا سید حسین و اطفالشان جناب آقا سید مصطفی جناب آقا رستم جناب آقا سید محمود جناب آقا علی اکبر جناب ملا مهدی جناب آقا میرزا حسین جناب محمد علی جناب حاجی حسینعلی جناب آقا محمد علی جناب محمد رضا جناب آقا علی اکبر جناب آقا محمد مهدی جناب آقا میرزا محمد جناب آقا غلامحسین جناب شکرالله علیهم بهاء الله الأبھی

هوالله

ای یاران باوفای جمال ابھی در این غوغا و ضوضا که بیخردان برپا نمودند در مشکلات عظیمه افتادید و بصددمات شدیدیه مبتلا گشتید گروه ظلم جهول برخاستند و جنگ و جدل خواستند و میدان ستم را بخیل و حشم طغیان آراستند کَلَمَا اوقدوا ناراً للحرب اطفأه الله آنچه در قوه داشتند کم و کسر نگذاشتند و هر اذیت و جفائی روا داشتند الحمد لله نصرت الهی در آن میدان جلوه کرد نیران فتنه و فساد را خاموش نمود و نائره غضب درندگان را مخمود کرد عون و عنایت الهی حفظ و صیانت نمود و حراست و حمایت کرد تا حزب الهی منصور و مظفر شد و الهامات غیبیه قلوب اولیاء امور را متنبه و بیدار نمود تا عدل و انصاف مرعی دارند و ظلم و اعتساف را از میان بردارند و الطاف اعلیحضرت شهریاری و عدالت جناب صدارتپناهی مجسم گشت و حقانیت ظاهر و محقق شد حال ای یاران الهی با حزب ستمکار بعدوان مقابلی ننمائید و در دفع مضرت دست تطاول نگشائید جفا را بویا مقابلی نمائید و در مقابل اذیت بمحبت رفتار کنید نهایت مهربانی و بردباری و صبر و تحمل و خوش رفتاری را مرعی و مجری دارید حزب طغیان آنچه کنند نتایج مضره‌اش بخود آنها راجع گردد مانند نفسی که سنگی را بخط مستقیم رو باسماں بمرغ بیگناهی بیندازد آن سنگ از هوا بر سر خود او فرو آید پس باید بحزب طغیان رحم نمود و مروّت فرمود زیرا آنان بر نفس خویش جفا نمودند و مغلوب و مقهور و مغدور و مظلوم نفس اماره خود گشتند ستمدیده‌اند باید مرحمت نمود و رحم کرد و چنان بویا قیام نمود که مرهم زخم آن بیچارگان گردد و دوی درد آن دردمندان شود ملاحظه نمائید که چه قدر مظلومند در دست دشمنی گرفتارند یعنی نفس اماره که مانند عقاب کاسر که هجوم بر صعوه مظلوم نماید این نفس اماره با صولتی بی‌اندازه ایلغار نماید و این بیچارگان نیز اسیر و بی‌مجیر و بی‌دستگیر و ذلیل و حقیر ماندند و تا ادنی مراتب ذلّ و هوان و خذلان ابدی افتند پس اسیران را باید دستگیر شد و بیچارگان را باید معین و مجیر گشت مقصود اینست که یاران الهی باید با ارباب ضوضا و اصحاب غوغا بنهایت مهر و وفا برخیزند بلکه انشاءالله سبب تنبه و تربیت ایشان گردد سبحان‌الله جاهلان چون تعدی کنند خود را غالب و مظفر شمردند و حال آنکه مغلوبیتی و مقهوریتی اعظم از این نیست آیا هیچ ذلتی و حقارتی اعظم از تطاول بر نفوس است لا والله لکن درندگان افتخار نمایند تباً لهم من هذا الخسران المبین شما ای یاران الهی در هر دم صد هزار شکرانه بیارگاه احدیت تقدیم نمائید که الحمد لله در سبیل الهی مورد ستم جاهلان گشتید و در راه حق معرض تعدی بیخردان و علیکم التّحیّه و التّناء ع

این سند از کتابخانه مراجع بهائی دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.